

بازتاب

پاسخ محیط زیست به یک گزارش

در پی انتشار گزارشی با عنوان «گفت‌وگوی شرق با محیط‌بان اصفهانی که پس از آسیب چشمی حین مأموریت، در انتظار حمایت حقوقی سازمان محیط زیست است» در روزنامه «شرق» و یازنشر آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست، با احترام به حق رسانه‌ها در طرح مطالبات و دغدغه‌های کارکنان و محیط‌بانان، توضیحات زیر را برای تنویر افکار عمومی و اصلاح برخی برداشت‌های نادرست ارائه کرد. در متن این نامه آمده است:

۱- حمایت سازمان از آقای جمشیدیان از زمان وقوع حادثه متوقف نمانده است
حادثه‌ای که برای آقای «علی جمشیدیان» در جریان مأموریت رخ داد و به آسیب جدی چشمی وی منجر شد، از ابتدای وقوع مورد توجه سازمان حفاظت محیط زیست قرار داشته و برخلاف آنچه در گزارش منتشرشده القا شده است، حمایت سازمان از ایشان صرفا به اظهارات و وعده‌های شفاهی محدود نبوده است. آقای جمشیدیان پیش از وقوع حادثه، نیروی شرکتی مجموعه محیط زیست استان اصفهان بود. پس از حادثه و با توجه به شرایط ایجادشده، سازمان اقدامات لازم را برای تعیین‌تکلیف وضعیت شغلی وی انجام داد و زمینه تبدیل وضعیت همکاری وی از نیروی شرکتی به نیروی پیمانی فراهم شد. همچنین با توجه به آسیب جسمی ایجادشده و عدم امکان ادامه فعالیت در مأموریت‌های عملیاتی محیط‌بانی، وضعیت شغلی وی متناسب با شرایط جدید مورد بازنگری قرار گرفت و از محیط‌بانی عملیاتی به فعالیت کارشناسی منتقل شد. این اقدامات در کنار پیگیری وضعیت درمانی و اداری، نشان‌دهنده آن است که سازمان در قبال سرنوشت شغلی فردی که در جریان فعالیت مرتبط با حفاظت از محیط زیست آسیب دیده است، خود را مسئول دانسته و برای استمرار همکاری و حفظ حقوق شغلی او اقدام کرده است.

۲- پوشش بیمه تکمیلی و پیگیری مسائل درمانی نیز مورد توجه سازمان بوده است
در کنار اقدامات مربوط به وضعیت استخدامی و شغلی، موضوع پوشش بیمه‌ای و درمانی آقای جمشیدیان نیز از سوی سازمان پیگیری شده و پوشش بیمه تکمیلی وی برقرار شده است. طبیعی است که پرداخت هزینه‌های درمانی تابع ضوابط بیمه‌ای، اسناد و مدارک هزینه‌کرد و مقررات مالی مربوط است و نمی‌توان همه هزینه‌های درمانی را صرفا براساس ادعا یا برآورد شخصی، بدون طی فرایند قانونی، قابل پرداخت تلقی کرد. این موضوع به معنای بی‌توجهی به هزینه‌های درمانی فرد آسیب‌دیده نیست؛ بلکه سازمان موظف است در عین حمایت از کارکنان خود، پرداخت‌ها را در چارچوب قوانین و مقررات مالی و بیمه‌ای انجام دهد.

۳- ادعای نبود حمایت حقوقی از جمشیدیان با واقعیت اقدامات سازمان منطبق نیست

یکی از محورهای اصلی گزارش منتشرشده، ادعای نبود حمایت حقوقی از آقای جمشیدیان و این موضوع است که وی پس از حدود دو سال همچنان از حمایت حقوقی سازمان برخوردار نشده است. در این خصوص باید تأکید کرد که سازمان حفاظت محیط زیست از ظرفیت‌های حقوقی خود برای پیگیری پرونده استفاده کرده است. پرونده قضائی حادثه از طریق ساختار حقوقی سازمان در سطح اداره‌کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان و مجموعه حقوقی ستاد مورد پیگیری قرار گرفته و موضوع در چارچوب فرایند قضائی در حال رسیدگی است. درخواست آقای جمشیدیان برای تعیین وکیل اختصاصی نیز در سازمان مطرح و بررسی شده است. پس از طرح موضوع، مجموعه حقوقی سازمان با بررسی ماهیت پرونده، ظرفیت‌های حقوقی موجود در استان و ستاد را برای پیگیری آن کافی تشخیص داده و در شرایط فعلی انعقاد قرارداد جداگانه با وکیل خارج از مجموعه را ضروری ندانسته است. بنابراین، تفاوت میان «تعیین وکیل اختصاصی» و «حمایت حقوقی سازمان» باید مورد توجه قرار گیرد. انعقادکنردن قرارداد با یک وکیل بیرونی به‌هیچ‌عنوان به معنای رهاشدن پرونده یا عدم حمایت حقوقی از فرد آسیب‌دیده نیست.

۴- پرونده قضائی تابع فرایند و تصمیم مراجع قضائی است

پرونده مربوط به حادثه آقای جمشیدیان در مرجع قضائی در حال رسیدگی است و سازمان نیز موضوع را از مجاری قانونی پیگیری می‌کند. تعیین مسئولیت اشخاص، بررسی ابعاد حادثه و انجام کارشناسی‌های مورد نیاز، در صلاحیت مراجع قضائی و کارشناسی ذیربط است. از این رو، سازمان نمی‌تواند و نباید پیش از اعلام نظر مراجع ذی‌صلاح درباره قصور، تخلف یا مسئولیت اشخاص اظهارنظر قطعی کند. بدیهی است طولانی‌مدن یک پرونده قضائی، به‌خودی‌خود نمی‌تواند به معنای عدم پیگیری آن از سوی سازمان تلقی شود؛ همان‌گونه که سازمان نمی‌تواند جایگزین مرجع قضائی در انجام تحقیقات کارشناسی و اتخاذ تصمیم قضائی شود.

۵- ادعای بی‌پاسخ‌ماندن درخواست‌های جمشیدیان

در گزارش روزنامه شرق آمده است که درخواست‌های مکرر آقای جمشیدیان برای پیگیری امور و تعیین وکیل بی‌پاسخ مانده و مسئولان سازمان نسبت به مطالبات وی اقدام مؤثری انجام نداده‌اند. این ادعا با سوابق و مستندات موجود در سازمان مطابقت ندارد. موضوع درخواست‌های ایشان در سطوح مختلف سازمان مطرح و بررسی شده و حسب مورد، مدیران و بخش‌های ذریبط در حوزه‌های منابع انسانی، حقوقی و مدیریتی موضوع را پیگیری کرده‌اند. همچنین ادعای مطرح‌شده درباره تلاش برای ملاقات با رئیس سازمان و عدم اجازه ملاقات نیز با سوابق و مستندات موجود در سازمان همخوانی ندارد. طبیعی است در ساختار اداری درخواست‌های کارکنان باید از مسیرهای مشخص پیگیری شود و عدم برگزاری یک دیدار شخصی یا عدم پاسخ به یک درخواست در شکل مورد انتظار فرد، به معنای بی‌توجهی سازمان به اصل موضوع و مطالبات او نیست. سازمان حفاظت محیط زیست همواره بر پاسخ‌گویی مدیران و شنیدن مسائل کارکنان تأکید داشته و مطالبات قانونی کارکنان را محترم می‌شمارد.

۶- حمایت از محیط‌بانان، یک رویکرد سازمانی است نه اقدامی موردی

موضوع حمایت از آقای جمشیدیان را نباید صرفا در چارچوب یک پرونده شخصی مورد ارزیابی قرار داد. محیط‌بانان و نیروهای عملیاتی سازمان، در خط مقدم حفاظت از طبیعت کشور قرار دارند و ممکن است در جریان انجام مأموریت‌های خود با خطرات جدی مواجه شوند. از این رو، سازمان حفاظت محیط زیست خود را موظف می‌داند در چارچوب قوانین و امکانات موجود، از کارکنانی که در جریان انجام وظایف سازمانی دچار آسیب می‌شوند، در حوزه‌های مختلف درمانی، بیمه‌ای، مالی، شغلی و حقوقی حمایت کند. تجربه آقای جمشیدیان نیز در همین چارچوب مورد رسیدگی قرار گرفته و اقدامات انجام‌شده در زمینه وضعیت استخدامی، تغییر محل و نوع خدمت متناسب با وضعیت جسمی، پوشش بیمه تکمیلی و پیگیری حقوقی، بخشی از این حمایت‌هاست.

۷- حمایت از محیط‌بانان از پیشگیری و رعایت ضوابط آغاز می‌شود

در عین حال، حمایت واقعی و پایدار از محیط‌بانان تنها به اقدامات پس از وقوع حادثه محدود نمی‌شود. رعایت دقیق ضوابط استخدامی، آموزش‌های تخصصی، احراز صلاحیت، تأمین تجهیزات، بیمه، آموزش‌های ایمنی و رعایت مقررات مربوط به ازم نیرو به مأموریت‌های عملیاتی، بخش جدایی‌ناپذیر از صیانت از جان و حقوق محیط‌بانان است. به همین دلیل، سازمان بر این موضوع تأکید دارد که به‌کارگیری افراد در مأموریت‌های محیط‌بانی باید از مسیرهای قانونی و پس از طی مراحل آموزشی و احراز صلاحیت‌های لازم انجام شود. این الزامات نه تشریفات اداری، بلکه بخشی از مسئولیت سازمان در قبال سلامت، امنیت و حقوق نیروهای عملیاتی است.

محمدحسین موسوی؛ دانش‌آموزان کنکوری سرنجام ۲۹ و

۳۰ مردادماه پس از ماهه‌دگریری با فشارهای جنگ، اعتراضات، فشارهای اقتصادی، خبرهای ناامیدکننده و خانواده‌های دل‌نگران توانستند در جلسه آزمون شرکت کنند و کنکور دهند. کنکور امتحانی برحاشیه است؛ ماراتنی که در تقاطع انواع ناپرابری‌ها و مسائل ساختاری قرار گرفته و سال‌هاست نقدهای زیادی از دیدگاه‌های مختلف بر آن شده است. اما امسال بیش از هر سال دیگری، کنکور نقطه حاشیه و بحران بوده. تعویق‌های پیایی، اعمال تأثیر قطعی معدل، تعطیلی و مجازی‌شدن پیایی مدارس و در نهایت تداخل فشارهای روانی مکنثر بر دانش‌آموزان، کنکور با پایان رسیده، گویی وزنه‌ای سنگین از دوش جوانان ۱۸ساله‌ای که با هزاران امید چشم به ورود به دانشگاه دوخته‌اند، برداشته شده است.

مصوبه بحران‌ساز

مصوبات متعدد و تغییرات اعمال‌شده بر کنکور در سال‌های اخیر بیش از آنکه شرایط آن را بهتر کند، به وضعیت بحرانی آن افزوده است. از جمله این مصوبات، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی موسوم به «سیاست‌ها و ضوابط سازماندهی سنجش و پذیرش مقناضات ورود به آموزش عالی» است؛ مصوبه‌ای که از همان ابتدا با نقدهایی متعدد روبه‌رو شد. شورای عالی انقلاب فرهنگ ی هدف اصلی این مصوبه را «کاهش استرس کنکور» و «بازگرداندن مرجعیت به مدرسه و کتاب درسی» نامید. از منظر اجرایی این مصوبه با حذف دروس عمومی در کنکور، افزایش سهم نتیجه امتحانات نهایی سال‌های یازدهم و دوازدهم در کنکور به ۶۰ درصد و برگزاری دو آزمون در سال، چهره و منطق کنکور را به طور کل تغییر داد. اما همان ابتدا برخی منتقدان این مصوبه را عامل «گسترش اضطراب» می‌دانستند. زیرا به‌جای یک آزمون کنکور، دانش‌آموزان باید در نزدیک به ۳۰ آزمون مختلف در دو سال دست‌وپنجه نرم کنند تا در کنکور رتبه خوبی به دست بیاورند. از ستمی عده‌ای نیز ساخت بازاری جدید به عنوان «بازار امتحانات نهایی» برای مؤسسات چاپ کتاب و جزوه و نماندی از پروپال‌دادن به مافیای کنکور می‌دانستند و در نهایت نیز، ناپرابری در کیفیت آموزش مدارس دولتی و غیردولتی که ناشی تعیین‌کننده بر سطح تسلط دانش‌آموزان در امتحانات نهایی دراد و تصحیح برگه‌ها توسط مصححان مختلف که باعث تفاوت در رویکرد تصحیح برگه‌ها و به تبع آن نمرات می‌شود، توسط فعالان آموزشی به عنوان نشانه‌هایی از مشکلات این مصوبه معرفی شد. با همه این انتقادات اما در کنکور امسال، این مصوبه اجرا شد.

تعویق‌هایی که میدان را تنگ کرد

کنکور و امتحانات نهایی یک سال اخیر، به طور مداوم به تعویق افتادند. آغاز این تعویق‌های متعدد به خردادماه و تعطیلات متعدد آن زمان بازمی‌گردد. تا پیش از خردادماه قرار بود امتحانات نهایی پایه‌های یازدهم و دوازدهم نهایتا اول تیرماه برگزار شود، اما ناگهان اعلام شد امتحانات به ۲۰ تیرماه منتقل شده است و تا نیمه مرداد ادامه خواهد یافت. این اتفاق، کنکور را هم به تعویق انداخت و با توجه به این سنت که کنکور دو هفته پس از امتحانات نهایی برگزار می‌شود، زمان برگزاری کنکور به ۲۹ و ۳۰ مرداد منتقل شد. جز اطلاع‌رسانی‌های ناکامل و مبهم که برنامه‌ریزی را علنا ناممکن کرد، این تعویق پنجره جمع‌بندی و برنامه‌تحصیلی دانش‌آموزان را نیز به هم ریخت. اوج این به‌هم‌ریختگی برنامه اما برای دانش‌آموزان جنوب کشور اتفاق افتاد، پس از شروع درگیری‌های نظامی در جنوب، امتحانات چهار استان به تعویق افتاد و علنا فرصت بین کنکور و امتحانات نهایی برای آن دانش‌آموزان از بین رفت.

«مهدی حسین‌دوست» مشاور و کارشناس تحصیلی است، او می‌گوید کنکور امسال شباهت زیادی به کنکور برگزارشده در سال ۱۳۹۹ داشت؛ کنکوری که هم‌زمان با اوج‌گیری پاندمی کرونا برگزار شد: «در سال ۹۹ امتحانات نهایی در زمان معمول خود برگزار شد اما کنکور مثل امسال در آخر مرداد برگزار شد و بارها به علت مسائل مرتبط با کرونا به تعویق افتاد، اما فشاری که در آن سال بر دانش‌آموزان بود قابل قیاس با امسال نیست». او می‌گوید برای درک این فشار باید مسیری را که یک دانش‌آموز کنکوری گذرانده تا در انتهای مرداد سر جلسه حاضر شود، مرور کرد: «بیش از اولین جنگ، دانش‌آموز درگیر اخبار سیاسی متعددی از جمله فعال‌شدن مکانیسم ماشه و افزایش تحریم‌ها بود. در این میان جنگ شروع و اینترنت قطع شد و دوباره مدتی بعد اعتراضات دی‌ماه اتفاق افتاد و دانش‌آموز با قطعی اینترنت مواجه شد. سرنجام نیز جنگ ۴۰روزه اتفاق افتاد و دانش‌آموز در شرایطی که به علت نبود اینترنت از منابع درسی خود محروم شده، در میان صدای جنگنده و انفجار درس خواند». این شرایط سخت برای مشاوران و همراهان درسی دانش‌آموزان نیز بود: «مشاوران



دانش‌آموزان در امتحان نهایی

گزارش «شرق» از یک سال پراضطراب؛ از جنگ و تعطیلی مدارس تا برگزاری آزمونی سرنوشت‌ساز

سال سخت کنکوری‌ها

و مدرسان کنکور هم ظرفیت‌های مخصوص به خود دارند، عمده آنها دانش‌جویان جوانی هستند که پس از کنکور خود تبدیل به مشاور و مدرس شده‌اند و نمی‌توان از آنها انتظار یک پشتیبانی قرص و محکم را در شرایط بحرانی برای دانش‌آموزان داشت. «حسین‌دوست» می‌گوید با وجود همه این فشارها، دانش‌آموزان فشار رقابت را نیز بر خود حس می‌کردند: «باید در نظر گرفت داوطلبان در این شرایط خود را در یک رقابت تصور می‌کنند و به این فکر می‌کنند که حتما داوطلبان دیگری هستند که توانستند تمرکز خود را حفظ کرده و به مناطق امن‌ر و آرام‌تر برای تحصیل بروند. دانش‌آموزی که به علت مجازی‌شدن همه‌چیز و قطعی اینترنت، تمام عامل‌های حمایتی خود را از دست داده، همچنان باید برای یک آزمون رقابتی نیز مطالعه کند، آن هم بدون اینکه یک لحظه تنفس در بین فشارها و بحران‌ها داشته باشد». این فعال آموزشی وضعیت برگزاری امتحانات نهایی را نیز وزنه دیگری بر گردن دانش‌آموزان می‌داند: «مسئله امنیت برگزاری امتحانات نهایی مطرح است، مسئله تعویق آزمون در مناطق جنوبی در میان است و دانش‌آموز در این بین دائم دهنش درگیر است که چگونه قرار است امتحانات نهایی در شرایط برابری برگزار شود، آیا به دانش‌آموزان جنوبی امتیاز ویژه‌ای تعلق می‌گیرد؟ این امتیاز عادلانه است یا عادلانه نیست؟ یعنی دانش‌آموز درگیر یک انتخاب اخلاقی سخت می‌شود.» تصحیح امتحانات نهایی نیز خود یک بحران است. «حسین‌دوست» تأکید می‌کند: «پس از برگزاری امتحانات نهایی، ما آموزش و پرورشی که بدون بودجه کافی برای دستمزد‌ها در یک زمان فشرده باید حجم بالایی برگه تصحیح کند، مواجه هستیم. این تصحیح‌ها هر سال به‌شدت سلیقه‌ای است، یعنی داوطلب باید شانس بیاورد که مصحح برگه‌اش خوب برگه را تصحیح کند و سخت‌گیر نباشد، از سمت دیگر خود مصحح نیز دائما درگیر این سؤال است که آیا باید شرایط جنگ را لحاظ کند یا نه؟ به عبارتی مصحح درگیر یک فضاوت ارزشی می‌شود. همین‌طور در برخی دروس و مناطق شاهدیم که تصحیح درس‌ها توسط افرادی که در آن دروس متخصص نیستند انجام می‌شود و این مسئله را بیان اینکه کمبود نیرو وجود دارد توجیه شده و تبدیل به فشاری بر دانش‌آموزان می‌شود.» فشار دیگری که دانش‌آموزان تجربه می‌کنند، مسئله تاریخ برگزاری آزمون است، زمان‌بندی‌ای که امسال بارها عوض شد: «تا ماه‌ها مشخص نبود اصلا آزمون نهایی و کنکور قرار است چه زمانی برگزار شود. دائما مسئولان اعلام زمان کنکور را عقب می‌انداختند یا بر گردن نهادهای امنیتی می‌گذاشتند.

در نهایت نیز با پایان کنکور، اضطراب دانش‌آموزان پایان نمی‌یابد: «پس از کنکور نیز دانش‌آموز می‌رسد چه زمانی وارد دانشگاه می‌شود؟ هزینه‌های تحصیل با این مصوبه‌های جدید تغذیه و اسکان چگونه خواهد بود؟ باید در نظر گرفت که امید بیشتر داوطلبان استان‌های کشور این است که در تهران تحصیل کنند؛ مسئله اینجاست که ما الان این امید را به علت ناامنی‌های تهران در دوران جنگ و فشارهای اقتصادی گرفته‌ایم و دانش‌آموز را شدیدا درگیر دغدغه‌ی اقتصادی و سیاسی کرده‌ایم». آیا در شرایط جنگی، همان‌طور که لایحه بودجه و مصوبات مختلف تغییر می‌یابد، نباید مصوبات مرتبط با کنکور نیز تغییر پیدا کرد؟ «حسین‌دوست» پاسخ می‌دهد: «من معتقدم در شرایط بحرانی فعلی، باید مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را تغییر داد. ما در حال حاضر آمده‌ایم و اضطراب را تکثیر کرده‌ایم. دانش‌آموز را مجبور کرده‌ایم اضطراب ۱۰ تا ۱۲ امتحان نهایی را تحمل کند. من اعتقاد دارم دو کار باید انجام شود. اول در موضوع تصحیح امتحانات نهایی کشور باید شرایط شفافیت تصحیح اتخاذ شود. تصحیح کنکور ماشینی است و حرفی در آن نیست، اما امتحانات نهایی شرایط متفاوتی دارد و باید شرایطی ایجاد شود که حسن اعتماد را به دانش‌آموزی که معتقد است دائما دارد در همه‌جا به او ظلم می‌شود، بدهیم. از سوی دیگر، باید بار را از روی دولت برداریم. در نتیجه باید مصوبه امتحانات نهایی تغییر کند».

ماراتن پایان‌ناپذیر «امیرپاراسا»

«خانواده‌ام هفته دوم جنگ اصرار کردند با خانواده مادری به سمنان برویم که خطرها کمتر است. در حالی که من در حال جمع‌بندی دروس سال یازدهم بودم و روزی ۹ ساعت درس می‌خواندم. در آخر من قبول نکردم و همه رفتند جز من و پدرم. اضطرابی که مادر در سمنان داشت و هر روز با تماس‌هایش به من نیز منتقل می‌شد، شدیدا روی درس‌خواندنم تأثیر گذاشت.» «امیرپاراسا» داوطلب کنکور تجربی است و حالا فقط چند ساعت پس از برگزاری آزمون در خانه دارد استراحت می‌کند: «نمی‌دانم چرا سؤالات ریاضی این میزان سخت بود، من با مشاورم که صحبت کردم نیز تأیید کرد سؤالات امسال بسیار دشوار بود و شباهتی به سال‌های گذشته نداشت. این حق ما نبود پس از این مدت تعویق و فشار در جلسه، با یک آزمون غیرمعمول مواجه

شویم». برای او فشارها از آبان سال ۱۴۰۴ بیش از پیش شدت گرفت: «با اینکه مادر من مدیر مدرسه است و پدرم نیز یکی از کارمندان باسابقه و قدیمی یکی از شرکت‌های بیمه، شرایط اقتصادی خانواده بد و بدتر می‌شده؛ به شکلی که در آذرماه من دیگر نمی‌توانستم از آنها بخواهم برایم کتاب تست دیگری تهیه کنند. خواهرم مریض است و افزایش قیمت داروهای او به خودی خود، پدر و مادرم را اذیت می‌کرد. در این بین ناگهان اتفاقات دی‌ماه شروع شد و وضعیت دردناک موجود در جامعه به من نیز سرایت کرد. از ستمی مدرسه بسته و اینترنت قطع شد و مجموعه اینها فشارهای زیادی وارد کرد.» «امیرپاراسا» در جنگ ۴۰روزه ما بیش از تمام مدت قبل، فشار و اضطراب تحمل کرد: «نهم اسفند من در مدرسه داشتم درس می‌خواندم که ناگهان صدای انفجار آمد. مدرسه ما مرکز شهر است و نسبتا نزدیک به محل اولین حملات. تا صدای انفجار آمد، چچه‌ها با خانواده‌ها تماس گرفتند تا به خانه برگردند. خ‌ل‌ام دنبالم آمد. چون شرایط برحی بودند بیشتر کتاب‌هایم در سالن مطالعه مدرسه جا ماند و علنا تا من بتوانم به مدرسه بروم و کتاب‌هایم را بردارم، یک هفته طول کشید. بعد آن نیز شرایط درس‌خواندن در خانه سخت بود. روزی ۹ ساعت درس می‌خواندم، اما به‌طور مداوم با هر صدایی حواسم پرت می‌شد. نگران خواهرم هم بودم؛ چون اضطراب، بیماری او را تشدید می‌کرد.» بر این مسائل، انتظاری طولانی نیز اضافه شد: «ما تا تیرماه زمان دقیق و مطمئنی برای کنکور و امتحانات نهایی نداشتیم. دائما زمان برگزاری عقب می‌افتاد، تغییر می‌کرد و حرف‌های مسئولان تکذیب می‌شد. دانش‌آموز کنکوری دیگر به ماه‌های آخر که می‌رسد نای ادامه‌دادن ندارد و فقط می‌خواهد درس‌ها تمام‌شود. اما گویی برای ما قرار نبود تمام شود». سرنجام ۲۹ مرداد تمام شد و او به سال تحصیلی گذشته که نگاه می‌کند، متعجب است چطور دوام آورده است: «نمی‌دانم چطور خودم را به جلو کشاندم، اما به هر حال کشاندم و توانستم کنکور و امتحانات نهایی را بدهم و امیدوارم این زحمت نتیجه بدهد».

ناامیدی‌های «نجمه»

صدای «نجمه»، داوطلب کنکور رشته ریاضی، خسته است. او به‌شدت به آزمون برگزارشده اعتراض دارد: «کنکور خیلی سخت بود. خیلی سخت. انگار می‌خواستند تیر آخر را به ما بزنند». او در ناامیدی زیادی به سر می‌برد: «امسال امیدی به قبولی ندارم، وسط جنگ و این‌همه بحران، فقط از ما بهترها توانستند درس بخوانند». او دانش‌آموز مدرسه‌ای دولتی در نزدیکی میدان شوش است؛ مدرسه‌ای که مانند بیشتر مدارس دولتی، برنامه خاصی برای قبولی دانش‌آموزانش در کنکور ندارد: «به‌طور معمول مدرسه با دریافت هزینه، مشاور و معلم کنکور می‌آورد و خود نیز سالن مطالعه کوچکی تهیه می‌کرد، اما امسال از همان ابتدای مهر گفتند شرایط خوب نیست و دانش‌آموزان دوازدهم خودشان برای کنکور تلاش کنند. اواسط آذرماه اما گفتند می‌خواهند مشاور ی بیاورند و ثبت‌نام کنیم. بیشتر دانش‌آموزان توان مالی برای ثبت‌نام نداشتند، چند نفری هم که ثبت‌نام کردیم نتوانستیم خدمات دریافت کنیم؛ زیرا تا مدرسه کسی را بیاورد، اتفاقات دی‌ماه شروع شد و چون مدرسه در نزدیکی بازار بود، مدیر مدرسه از همان ابتدای اعتراضات تصمیم به تعطیلی مدرسه گرفت». این تعطیلی به تعطیلی‌های امتحانات ترم اول خود و تا اواخر بهمن ادامه داشت: «خانه ما کوچک و درس‌خواندن در خانه برای من خیلی سخت است. فقط دو کتابخانه هم در محله ما وجود دارد که هر دو نامناسب هستند. در نتیجه من به‌طور علنی تاول‌ق در درس می‌خواندم. مدرسه که باز شد روزهای اول خوب درس خواندم، تا اینکه ناگهان جنگ شروع شد». شروع جنگ او را دوباره به خانه کشاند: «در جنگ دائما صدای انفجار به گوش می‌رسید. در یکی از شب‌ها مغازه پدرم نیز آسیب دید و اضطراب در خانه چندبرابر شد. من در دوران جنگ نهایتا روزی دو تا سه ساعت درس خواندم». پس از جنگ نیز او به همین شیوه به تحصیل ادامه داد؛ شیوه‌ای که خودش امیدی به نتیجه‌دادن آن ندارد.

بازتاب یک سازناوک

آنچه در رکنکور ۱۴۰۵ اتفاق افتاد، صرفا به‌هم‌ریختگی در برگزاری یک آزمون و سنجش کنکوری نیست، بلکه بازتابی از شکنندگی ساختار آموزشی ایران در برابر وقایع اجتماعی و سیاسی کلان است، نظامی که به‌جای برنامه‌ریزی بلندمدت، مدیریت سیال و سیاست‌گذاری‌های مشخص، درگیر مدیریت لحظه‌ای بحران‌ها شده و هزینه این شکل از مدیریت را بر دوش دانش‌آموزان انداخته است؛ دانش‌آموزانی که در تلاش برای یافتن مسیری به سوی آینده و دیدن نتیجه تلاش‌ها و استعدادهایشان، خود را در برابر دیواری محکم از بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فشرده‌گردی زمان و بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی به ابزارهای سنجش می‌بینند.

خبرخوان

شناسایی کانون‌های آلودگی سواحل مکران

مهر، مدیرکل آلودگی دریایی سازمان حفاظت محیط زیست از اجرای مطالعات جامع آلودگی سواحل مکران از خلیج گواتر تا جاسک خبر داد.
امید بدیقی با اشاره به اجرای مطالعات جامع آلودگی در سواحل مکران گفت: «با انجام این مطالعات، وضعیت آلودگی و کانون‌های آلاینده در محدوده خلیج گواتر تا جاسک شناسایی شده و نتایج بررسی آلودگی آبران نیز به دست آمده است که اطلاعات آن در اختیار عموم قرار خواهد گرفت».
صدیقی درباره پایش پسماندها و آلودگی پلاستیکی در مناطق ساحلی افزود: «پایش آلودگی پلاستیک در مناطق ساحلی با همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال انجام است، اما در معاونت دریایی تاکنون مطالعه مستقلی درباره پسماندهای ساحلی کشور انجام نشده است».
او درباره تأثیر آلودگی‌های دریایی بر زیستگاه آبزیان گفت: «آلودگی‌های دریایی قطعا بر آبزیان و زیستگاه آنها اثرگذار است و به همین دلیل انجام مطالعات جامع آلودگی در سواحل اهمیت زیادی دارد».
مدیرکل آلودگی دریایی سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: «لیدل انجام مطالعه جامع آلودگی در سواحل مکران این است که هنوز بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای و پروژه‌های بزرگ در این منطقه آغاز نشده‌اند و لازم بود پیش از اجرای آنها، اطلاعات پایه دقیقی از وضعیت محیط زیست دریایی منطقه داشته باشیم».
صدیقی گفت: «با در اختیار داشتن این اطلاعات پایه، پس از اجرای پروژه‌های بزرگ می‌توان وضعیت محیط زیست را پایش و ارزیابی و مشخص کرد که اجرای این پروژه‌ها چه تغییری در میزان آلودگی ایجاد کرده است». او با اشاره به انواع آلاینده‌های بررسی‌شده در این طرح افزود: «آلودگی‌های نفتی، فلزات سنگین، پساب‌های صنعتی و همچنین پساب آب‌شیرین‌کن‌ها که در منطقه مکران در حال توسعه هستند، می‌توانند تأثیر زیادی بر کیفیت آب و زیستگاه آبزیان داشته باشند».
به گفته صدیقی، در این پروژه تمامی منابع آلاینده‌ای که به آب‌های ساحلی مکران تخلیه می‌شوند نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند و اگرچه محدوده مورد مطالعه گسترده است، اما منابع و کانون‌های آلودگی تا حد زیادی مشخص شده‌اند.
مدیرکل آلودگی دریایی سازمان حفاظت محیط زیست با اشاره به نتایج مطالعات انجام‌شده گفت: «این بررسی از خلیج گواتر در مرز پاکستان تا منطقه جاسک انجام شده و براساس اطلاعات به‌دست‌آمده و نقشه‌های تهیه‌شده، وضعیت آلودگی و کانون‌های آلودگی در این محدوده تقریبا مشخص شده است». او ادامه داد: «یکی از نقاط داغ یا «هات‌اسپات» آلودگی در این منطقه، خلیج چاپهار است؛ چراکه در این محدوده تراکم جمعیت، برخی فعالیت‌های صنعتی و تردد شناورها وجود دارد و برای کاهش آلودگی در این منطقه باید برنامه‌ریزی جدی انجام شود».
صدیقی با تأکید بر جامع‌بودن این مطالعه گفت: «در این پروژه علاوه بر بررسی وضعیت آب‌های ساحلی مکران، میزان آلودگی در آبزیان نیز شده است. این پروژه اطلاعات بسیار جامعی در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست قرار داده است و نتایج و اطلاعات به‌دست‌آمده از این مطالعات نیز در سایت سازمان منتشر خواهد شد».

۵۰ بیمار پروانه‌ای خدمات دندان پزشکی گرفتند

ایرنا: بیش از ۵۰ نفر از بیماران «ای‌بی» (پروانه‌ای) روز گذشته سی‌ام مردادماه، در دانشگاه دندان پزشکی «شهید شکر ی» وابسته به دانشکده دندان پزشکی بقیه‌الله به صورت رایگان خدمات تخصصی دندان پزشکی دریافت کردند.
در راستای توسعه خدمات درمان تخصصی به بیماران پروانه‌ای، بیش از ۵۰ نفر از بیماران پروانه‌ای تحت پوشش خانه ای بی در مرحله نخست برای دریافت خدمات رایگان دندان پزشکی به این مرکز مراجعه کردند.
فرایند درمان این افراد روز گذشته آغاز شد و در ادامه این همکاری سایر بیماران پروانه‌ای نیازمند خدمات دندان پزشکی نیز به‌تدریج برای دریافت خدمات تخصصی معرفی و پذیرش می‌شوند.
برخی از این بیماران از مناطق مختلف کشور مانند استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و لرستان که به دلیل ازدواج‌های فامیلی این نوع بیماری بیشتر در آنها دیده می‌شود، به این مرکز مراجعه کرده‌اند.